

■ جایگاه منشآت نصرالله بن عبدالمؤمن منشی سمرقندی

در پژوهش‌های تاریخی دوره تیموری

فاطمه اورجی | علی منوچهری

■ چکیده

منشآت و مکاتیب، از جمله منابع مهم و موثق هر دوره تاریخی محسوب می‌شوند و در لایه‌های فرمان‌ها و نامه‌های مندرج در آنها می‌توان به نکات مهم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، اقشار و طبقات، مناصب و مشاغل و به‌طور کلی، ساختار اداری یک حکومت یا دوره مشخص تاریخی پی برد. مجموعه منشآت نصرالله بن عبدالمؤمن منشی سمرقندی نیز یکی از منشآت دوره تیموری است که بین سال‌های ۸۱۴ تا ۸۴۵ هجری قمری تألیف و تدوین شده است.

هدف: هدف مقاله ذکر اهمیت مجموعه منشآت نصرالله بن عبدالمؤمن منشی سمرقندی در شناخت اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی دوره تیموری است.

روش/ رویکرد پژوهش: روش مورد استفاده در این تحقیق توصیفی - تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای می‌باشد.

یافته‌ها و نتایج: منشآت منشی سمرقندی به‌عنوان یکی از منشآت دوره تیموری، اطلاعات مفیدی در زمینه اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و دینی این دوره ارائه داده و همچنین درباره تشکیلات دیوانی، نهاد قضایی و مذهبی آن دوره، مطالب جالبی در اختیار پژوهشگران و محققان تاریخ قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها

منشآت/ منشآت نصرالله بن عبدالمؤمن منشی سمرقندی/ تیموریان/ آل مظفر/ آل اینجو.

تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و چهارم، دفتر دوم، (تابستان ۱۳۹۳)، ۶۰-۸۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۲۷ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۱۳

جایگاه منشآت نصرالله بن عبدالمؤمن منشی سمرقندی در پژوهش‌های تاریخی دوره تیموری

فاطمه اورجی^۱ | علی منوچهری^۲

مقدمه

منشآت نویسی، که در قدیم به آن ترسل نیز می‌گفته‌اند، به‌عنوان یکی از فنون انشا و نویسندگی در گستره فرهنگ و ادب فارسی، جایگاه ویژه‌ای دارد. منشآت، در اصطلاح ادبی، مجموعه‌ای از نامه‌های دیوانی یا دوستانه است که منشی دیوانی یا نویسنده غیر دیوانی نوشته باشد. منشآت برجای مانده از هر دوران حکومتی می‌تواند از نظر ادبی، تاریخی، اجتماعی، و سیاسی ارزش و اهمیت بسزایی داشته باشد و پرداختن به آنها در حیطه تحقیقات تاریخی و پژوهش‌های ادبی و جز آن ضروری می‌نماید. منشآت دوره تیموری نیز اهمیت بسزایی در میان منابع تاریخی آن دوره دارند. منشورها، فرمان‌ها، و رسایل سلطنتی که در این مجموعه‌ها گردآمده، منبع بسیار مهم و ارزشمند و اسناد معتبری است که در مواردی مکمل منابع تاریخی به‌شمار می‌آیند و راهگشای مورخان و اهل تحقیق‌اند. در این نامه‌ها، به حوادث و شخصیت‌های تاریخی اشاره شده یا ذکری از آن حوادث و افراد به میان آمده است که شاید در هیچ‌یک از کتاب‌های تاریخی مربوط به این دوره ثبت و ضبط نشده باشد. در مکاتیب اخوانی موجود در این منشآت، همچنین، از جریان‌های سیاسی و اجتماعی و احوال خصوصی مردم و به‌ویژه قضات، علما، ادبا، شخصیت‌های سیاسی، درباریان، و حتی مردم عادی سخن به میان آمده است و اطلاعات زیادی در زمینه مردم‌شناسی، بافت اجتماعی جوامع گذشته، اعتقادات دینی، و نحله‌ها و فرقه‌های مختلف مذهبی در ادوار گوناگون ارائه می‌دهند. آنها اطلاعات سودمندی نیز درباره تشکیلات دیوانی اعم از کشوری، لشکری، و آئین مملکت‌داری و تدبیر

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه تبریز،

forouji@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران

اسلامی دانشگاه تبریز، (نویسنده مسئول)

alimanoochehri77@yahoo.com



امور کشور در سلسله‌های گوناگون حکومتی ارائه می‌دهند.
مجموعه منشآت نصرالله‌بن‌عبدالمؤمن منشی سمرقندی یکی از این منشآت است.
برهمن اساس، در این مقاله تلاش می‌شود به این پرسش پاسخ داده شود که مجموعه
مزبور چه اهمیتی در شناخت اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و مذهبی دوره تیموری
دارد؟ یا به عبارت بهتر، مجموعه منشآت منشی سمرقندی چه جایگاهی در مطالعات
تاریخی دوره تیموری دارد؟

اما نخست باید به پرسش‌های زیر پاسخ گفت:

۱. منشآت چیست و انواع آن کدام است؟

۲. منشآت دوره تیموری از چه مختصات و ویژگی‌هایی برخوردار است؟

۳. اوضاع و احوال عمومی زمانه کاتب و خالق این منشآت، یعنی منشی سمرقندی
چگونه بوده است؟ یا به عبارت دقیق‌تر؛ منشآت منشی سمرقندی در چه شرایط و اوضاع
و احوالی به نگارش در آمده است و این شرایط چه تأثیری در اثر مورد بحث داشته است؟

پیدایش منشآت و سیر تطور آن قبل از دوره تیموری

منشآت، اسم مفعول به صیغه جمع مؤنث، از مصدر «انشاء» و مفرد آن «منشاء» است که به
معنای انشا کرده شده و نیز به معنای نوشته شده‌ها، نامه‌ها، مراسلات، مسودات، عبارات
و تصنیفات می‌باشد. همچنین، مراد از منشآت با املای «منشآت» نوشتجات منشیانه و
مترسلانه که به‌طور انشاء نوشته شده باشند، نیز ذکر شده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴،
ذیل منشآت؛ معین، ج ۴، ذیل منشآت). منشآت، همچنین، در اصطلاح ادبی، مجموعه‌ای
از نامه‌های دیوانی یا دوستانه را شامل می‌شود که منشی دیوانی یا نویسنده غیردیوانی
نوشته باشد (مصاحب، ۱۳۴۵، ج ۲، مدخل «منشآت»). به همین جهت می‌توان گفت منشآت
مجموعه‌ای از نامه‌هاست. واژه نامه از ریشه پهلوی (نامک) گرفته شده که در پی نفوذ زبان
عربی و ترکی مغولی، معادل‌ها و مترادفات فراوانی یافته است. از آن جمله: پروانچه، تعلیقه،
خط، ذریعه، رقع، سجل، صحیفه، طغرا، طومار، عریضه، فرمان، قرطاس، کاغذ، مفاوضه،
کتاب، مثال، مراسله، مرقومه، منشور، مکتوب، ملطفه، نمیقه، و نیز خطاب، مشافهه، مطالعه،
مکاتبه، یرلیغ، مشرفه، و قصه (نک: لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه و کلمات ذکر شده) که با
مراجعه به آثار بازمانده در فن دبیری و همچنین نامه‌ها و منشآت گوناگون می‌توان به انواع
و طرز کاربرد هر یک از آنها آشنا شد. به‌طور نمونه «قصه آن نبشته را خوانند، که رعیت به
سلطان و والی بردارند، در عرضه کردن حالی یا حاجتی» (میهنی، ۱۹۲۲، ص ۲۹) و «ملطفه
آن نبشته را خوانند، کی سرّی نازک در او باز نموده باشند و مفرط بر کاغذ باریک نبشته و



بی‌عنوان ملصق کرده تا چشم کسی به حيله سر مطاوی آن نیفتد» (میهنی، ۱۹۲۲، ص ۳۰). گردآوری و تدوین منشآت و مکاتیب فارسی از آغاز دوره اسلامی در ایران رایج بوده است. قدیمی‌ترین دیوان رسائل فارسی، مجموعه‌هایی است که دو دبیر عالی مقام اواسط قرن ششم هجری، از منشآت خویش، جمع و تألیف نموده‌اند: یکی رشیدالدین وطواط^۱، دبیر مشهور خوارزمشاهیان؛ و دیگر همکار معاصر وی منتخب‌الدین بدیع‌اتابک جوینی، منشی و صاحب دیوان انشاء سلطان سنجر، که منشآت دیوانی و اخوانیات خود را در مجموعه‌ای به نام عتبه‌الکتابه^۲ گردآورده است. پس از این دو دبیر، تدوین منشآت شایع و معمول گشت و در هر عصر، مجموعه‌هایی از منشآت ترسل جمع و تألیف می‌گردید. بعضی از این مجموعه‌ها تنها منشآت مؤلف را، که از طرف خود یا مقام دولتی نوشته شده است، متضمن می‌شد؛ و برخی، منشآت دبیران معروف دیگر را؛ و قسم سوم منشآت است که صاحبان قریحه انشاء از برای سرمشق دیگران، بی‌آنکه حقیقتاً مورد پیدا کرده باشد، از خویشان انشاء نموده، در مجموعه‌ای گردآورده‌اند. نخستین کس از منشیان بزرگ که این کار را از دو دبیر نامی تقلید کرد، خلف رشید بهاء‌الدین، محمدبن مؤید بغدادی، منشی علاء‌الدین تکش خوارزمشاه ۵۶۸-۵۹۶ ق. است. وی، منشآت خویش را در مجموعه‌ای به نام التوسل الی‌التوسل گرد آورد (نامه‌های رشیدالدین وطواط، ۱۳۳۸، صص ۷۸-۸۰).

مختصات و ویژگی‌های منشآت دوره تیموری

منشآت، مانند دیگر انواع نثر در هر دوره تاریخی ویژگی‌ها و خصوصیات خاص خود را دارا می‌باشد و از دوره‌ای به دوره دیگر و از حکومتی به حکومت دیگر دچار تغییر و تحولاتی در سبک نگارش و ویژگی‌های دیگر می‌شود. براین اساس، ضرورت پرداختن به این پرسش که منشآت در دوره تیموری دارای چه مختصات و ویژگی‌هایی است، بهتر مشخص و نمایان می‌گردد. در پاسخ به این پرسش می‌توان سبک نگارش و ویژگی‌های منشآت دوره تیموری را به‌طور مختصر اینگونه بیان نمود:

۱. ایجاز و اختصار: این شیوه از نیمه دوم قرن هفتم، به دلیل عدم رغبت مغولان به عبارت‌پردازی آغاز شد و در عصر تیموری نیز ادامه یافت؛
۲. استعمال افعال به صیغه وصفی (آوردن فعل ماضی نقلی به صورت صفت مفعولی و حذف کردن فعل معین «است»);
۳. استعمال لغات دشوار و دور از ذهن عربی به تدریج کم و رها شد که این طریقه با نگارش گلستان سعدی رواج یافت و ملایم طبع کاتبان واقع شد و در زمان حکومت تیموریان نیز مورد توجه قرار گرفت؛

۱. برای آگاهی بیشتر از زندگانی و سبک نگارش رشیدالدین وطواط ن.ک.: نفیسی، ۱۳۴۴، ج ۱، صص ۹۲-۹۳؛ نامه‌های رشیدالدین وطواط، ۱۳۳۸، صص ۸۱-۸۲.
۲. جوینی، منتخب‌الدین جوینی (۱۳۳۹). عتبه‌الکتابه (محمد قزوینی و عباس اقبال، مصححان). تهران: شرکت سهامی چاپ.



۴. کاربرد برخی ترکیب‌های عربی مانند من کل الوجوه، يوماً فیوماً، و کرهً بعد آخری از آثار قدیم باقی‌مانده رو به افزایش نهاد؛

۵. تحلیل و تضمین اشعار و مصراع‌ها و الحاق آنها برای تکمیل و تأیید مطلب و مضمون نامه مورد توجه منشیان بود و شواهد شعری معمولاً از اشعار سُست و بی‌مایه است که غالباً از خود منشیان یا امیرزادگان و استشهد از ابیات نغز و مطبوع و معروف قدیم کمتر دیده می‌شود یا اصولاً منشیان آنها را فراموش کرده‌اند؛

۶. مطابقت صفت با موصوف؛ و
۷. عدم جزالت با رکاکت الفاظ و بی‌توجهی به آهنگ کلمات و جمله‌ها و از یاد رفتن کاربرد پیشاوندهای گوناگون مانند فرا، فرو، و همی بر سر افعال» (بهار، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۲۰۳).

در پاسخ به پرسش بالا می‌توان منشآت دوره تیموری را علاوه بر سبک نگارش، از منظر هدف تدوین و نگارش نیز در چند دسته به‌قرار زیر مورد ارزیابی قرار داد:

۱. منشآت که با هدف تعلیم و آموزش نامه‌نگاری و آداب کتابت تألیف شده است که در این نوع منشآت به تعلیم روش صحیح کتابت، آموختن علم انشاء، قواعد و اسلوب نامه‌نگاری، اقسام مکتوبات اعم از فتح‌نامه‌ها، فرمان‌ها، امثال، منشور، تهنیت، و تعزیت و بیان ارکان و شرایط آن مکتوبات پرداخته می‌شود. در اینگونه منشآت، به‌منظور تفهیم و تبیین مبحث مورد نظر به آثار و اشعار بزرگان ادب فارسی و عربی استناد شده، و از شواهد کافی از نظم و نثر فارسی و عربی استفاده کرده‌اند. اینگونه منشآت، افزون بر فواید ادبی، در زمینه بررسی سیر تحول و سبک‌شناسی نثر، سبک و روش نویسندگی مکتوبات، با توجه به اشمال بر اطلاعات سودمند اجتماعی و تاریخی نیز می‌توانند در مطالعات جامعه‌شناسی و تاریخی مورد استفاده قرار گیرند، به ویژه در شناخت خصوصیات روحی و اندیشه طبقات حاکم و رجال گذشته منعی مفید و قابل توجه هستند. در این نوع منشآت، نامه‌ها، منشورها، و فرمان‌هایی به منظور آموزش و تعلیم آمده، اما از محتوای آنها می‌توان وظایف مشاغل مختلف را استخراج کرد، برای مثال، وظایف قاضی محاسبان، شحنگان، و همچنین چگونگی تفویض سلطنت و وظایف بر عهده‌الایان. از این دسته منشآت می‌توان به *لطایف الانشاء، مناظر الانشاء، مخزن الانشاء، نامه نامی و صحیفه شاهی* اشاره کرد.

۲. دسته دوم منشآت، نامه‌های دیوانی است که مؤلف به‌عنوان منشی حکومتی خطاب به سلاطین و امرای نواحی مختلف نگاشته است. در این نوع منشآت، چون مؤلفان بیشتر از منشیان و صاحب‌منصبان دربارهای حکومتی زمان خود بوده‌اند، به گردآوری مجموعه‌ای از نامه‌های دیوانی، دوستانه، و عارفانه دانشمندان، فرمانروایان، و شاعران ادوار مختلف



مشغول می‌شدند. این نامه‌ها برای مترسلان و منشیان جنبه آموزشی داشت و در بیشتر آنها به گوشه‌ها و زوایایی از تاریخ ایران اشاره شده، که شاید در دیگر متون سیاسی و روایتی کمتر به آنها اشاره شده باشد. از این دسته منشآت می‌توان به فرایند غیاثی تألیف یوسف اهل، شرف‌نامه خواجه عبدالله مروارید، منشأ الانشاء نظام‌الدین عبدالواسع، ریاض الانشاء و ترسل یا منشآت زمجی اسفزاری اشاره کرد.

۳. دسته سوم منشآت را شامل می‌شود که توسط شاعران، محققان، عارفان، حکیمان، و دانشمندان نامداری فراهم آمده‌اند که در بیشتر موارد، آنها هیچ پست و مقامی در دربارهای حکومتی نداشته و هدف آنها نیز تعلیم انشا و نامه‌نگاری نبوده است، اما از فضلا و بزرگان دوره و زمانه خود بوده‌اند که مورد توجه خاص و عام و همچنین فرمانروایان و حکمرانان قرار گرفته‌اند. از منظر همین جایگاه، آنها در جامعه معاصر خود، مکاتبات و نامه‌نگاری آنها چه با دوستان و اطرافیان و چه با حکمرانان عصر خود که مشتمل بر موضوع‌های مختلف اخلاقی، سیاسی، اجتماعی، و عرفانی بوده، دارای اهمیت می‌باشند و از لابه‌لای آنها می‌توان اطلاعات تاریخی برجسته‌ای را استخراج کرد. از این دسته منشآت می‌توان نامه‌ها و منشآت نورالدین عبدالرحمان جامی، منشآت عبدالله قطب‌الدین بن محیی، و منشآت امیرحسین قاضی میبدی را نام برد.

اهمیت منشآت نصرالله بن عبدالمؤمن منشی سمرقندی

بین هر خالق اثر و زمانه وی یک ارتباطی نزدیک و همیشگی وجود دارد، به‌صورتی که می‌توان ادعا نمود هر اثری محصول و روح زمانه خویش است. با چنین رهیافتی، این ضرورت به‌وجود می‌آید تا پیش از پرداختن به ویژگی‌ها و مختصات منشآت منشی سمرقندی در ابتدا به این پرسش پاسخ دهیم که اوضاع و احوال عمومی زمانه کاتب و خالق این منشآت، یعنی منشی سمرقندی چگونه بوده یا به‌عبارت دقیق‌تر منشآت منشی سمرقندی در چه شرایط و اوضاع و احوالی به نگارش در آمده است و این شرایط چه تأثیری در اثر مورد بحث داشته است؟

شرح حال کاتب

با مرگ خلیل سلطان در سال ۸۱۴ق.، شاه‌رخ به‌طور رسمی جانشین تیمور (۷۳۶- ۸۰۷ هـ. ق/ ۱۳۳۵- ۱۴۰۵م.) شد. شاه‌رخ، سه سال پیش از این، در جریان اختلافات جانشینی امیر تیمورگورکانی، سمرقند را بدون خونریزی فتح کرده و پسر بزرگ خود الغ‌بیگ (۷۹۶- ۸۵۳ق. ۱۳۹۳- ۱۴۴۹م.) را به حکمرانی آن دیار گماشته بود، ولی ترجیح داد که مقرر حکومت خود را هرات قرار دهد و این رویه را تا پایان عمر خویش ادامه داد. شاه‌رخ، برای از سر راه



برداشتن دیگر شاهزادگان تیموری که مانعی برای رسیدن به هدف‌هایش به‌شمار می‌رفتند با تدبیر و حوصله عمل نمود. به این صورت که ابتدا مازندران و ماوراءالنهر و پس از آن، به ترتیب خوارزم (۸۱۵ق.)، اصفهان (۸۱۷ق.)، فارس (۸۱۷ق.)، کرمان (۸۱۹ق.)، و آذربایجان (۸۲۳ق.) را به قلمرو خویش افزود (خوافی، ۱۳۳۹، ج ۳، صص ۲۱۱، ۲۱۶، ۲۲۶، ۲۴۰).

پس از حملات سنگین و جنگ‌ها و خونریزی‌های وحشیانه‌ای که به‌دست تیمور صورت گرفت، حکومت شاهرخ تیموری، برای ایران دوره آرامش و سکونی پیش آورد؛ اما باید در نظر داشت که این آرامش نسبی بود و فقط با نظر به احوال ایران در زمان تیمور می‌توان آن را دوره آرامش نام نهاد و گرنه در دوره حکومت شاهرخ نیز مردم از جنگ‌ها، تاراج‌ها، و تخریب‌های متعدد در امان نبود. به‌ویژه ولایات غربی و مرکزی را به هیچ‌رو نمی‌توان قرین آسایش و امنیت دانست؛ چرا که مناطق یاد شده در دوره مذکور دستخوش کشمکش‌هایی میان تیموریان، جلایریان، و ترکمانان قراقویونلو و نیز رقابت‌های داخلی تیموریان بود. اما خراسان و دیگر ولایاتی که به‌طور مستقیم تحت نظارت شاهرخ قرار داشتند تا حدی از امنیت و رفاه برخوردار بودند (میرجعفری، ۱۳۸۱، صص ۸۸-۸۹).

از میان فرزندان شاهرخ، ابراهیم سلطان (۷۹۶-۸۳۸ق.)، بایسنغر (۷۹۹-۸۳۷ق.) و الغ‌بیگ (۷۹۶-۸۵۳ق.) بیش از دیگران مشهور بودند. ابراهیم سلطان در فارس حکومت می‌کرد و از خوشنویسان بنام روزگار خود بود. بایسنغر میرزا، در هرات اقامت داشت و در آنجا کتابخانه باشکوهی را بنا نهاد که مکان هنرآفرینی زنده‌ترین و مشهورترین هنرمندان عصر قرار داشت. شاهنامه بایسنقری، از جمله شاهکارهای آنان است. الغ‌بیگ، پادشاهی بود مشهور به کثرت فضیلت و هنرپروری و وفور عدالت و دادگستری که از تمام امثال و اقران خود در این زمینه زبانشیرتر و مشهورتر بود. وی، در دیگر علوم و فنون به‌خصوص علم ریاضی و نجوم نیز شهره بود. چنانکه غیاث‌الدین جمشیدکاشی، دانشمند نامی عصر تیموری، یکی از کتاب‌های حوزه ریاضی و نجوم خود، را به الغ‌بیگ هدیه کرده است (بارتولد، ۱۳۳۶، صص ۱۳۷-۱۳۸). از وزرای دربار میرزا الغ‌بیگ می‌توان خواجه ناصرالدین نصرالله خوافی و سید عمادالدین بن سیدزین‌العابدین جنابذی را نام برد (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۲۱؛ بارتولد، ۱۳۳۶، ص ۱۴۰).

نصرالله بن عبدالؤمن منشی سمرقندی در چنین برهه‌ای از تاریخ زیسته و مجموعه منشآت خویش را تألیف و گردآوری نموده است. لیکن درباره او در بین منابع مربوط به این دوره مانند ظفرنامه شرف‌الدین یزدی، روضة الصفا خواندمیر، خلدیرین، زبدة التواریخ حافظ ابرو، و دیگر منابع مطلبی ثبت و ضبط نشده است. تنها مطلبی که می‌توان از آن به هویت این کاتب پی برد، مطالبی است که خواندمیر در کتاب حبیب‌السیر آورده است. خواندمیر، در حبیب‌السیر از



شخصیتی به نام خواجه عبدالمؤمن سمرقندی نام می‌برد و آن را اینگونه معرفی می‌کند:
«ندیم مجلس خاص و انیس بزم اختصاص میرزا الغیبیک بر رویه لطف طبع و حدت
ذهن از ظرفا و فضلائی سمرقند ممتاز و مستثنی می‌نمود. از ثقات استماع افتاده که در
زمان خجسته‌نشان آن پادشاه عالی‌شان، قاضی قرشی [یکی از قضات سمرقند] در یکی از
قضایای شرعی، طریقه مداهنه به جای آورد و این معنی بر ضمیر انوار میرزا الغیبیک ظاهر
گشت، حکم فرمود که ریش قاضی را تراشیده، تشهیر کنند و قاضی رجوع به عبدالمؤمن
کرد. آن جناب در پایه سریر سلطنت انتساب زبان شفاعت بگشاد و بعد از قیل و قال چنان
مقرر شد که قاضی بیست سر اسب تسلیم نماید تا دست از ریش او باز دارند. آنگاه [که]
قاضی خلاص شده، اسبان را به خواجه عبدالمؤمن سپرد و خواجه آنها را به گله خود
فرستاد، اما بعد از چندگاه اندیشید که اگر این خیانت ظاهر گردد و شاید که پادشاه بر او
غضب نماید، بنابراین آن روز قاضی را فرمود که مناسب آن است که تو فردا از دور خود
را به حضرت میرزا بنمایی تا اگر از ممر آن مهم غباری بر خاطرش مانده باشد، مرتفع
سازم. روز دیگر قاضی به موجب فرموده، عمل کرد. چون چشم میرزا الغیبیک بر وی افتاد،
خواجه عبدالمؤمن را طلبیده و به وی گفت: بیست سر اسب که قاضی قبول کرده بود، چرا
تسلیم میرآخور نمی‌نماید، عبدالمؤمن جواب داد که قاضی از سرانجام اسبان عاجز گشته
و حالا آمده که ریش او را تراشید، تشهیر کنند. میرزا الغیبیک از شنیدن این سخن به خنده
افتاد و دیگر معترض قاضی نشد» (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۳۸).

از سطور بالا می‌توان دریافت خواجه عبدالمؤمن از منشیان و ندیمان خاص میرزا الغیبیک
بوده، به طوری که مقامی همچون قاضی سمرقند، جهت شفاعت بدو متوسل گشته است. با
توجه به جایگاه خواجه عبدالمؤمن در دربار میرزا الغیبیک و بررسی اسم و کنیه کاتب (نصرالله
بن عبدالمؤمن منشی سمرقندی) می‌توان به این نتیجه رسید که به احتمال قریب به یقین وی فرزند
خواجه عبدالمؤمن مزبور بوده است که به واسطه جایگاه پدرش در دربار توانسته منشآت خود را
به شاه‌رخ تقدیم کند. نصرالله عبدالمؤمن دیباچه کتاب خود را به نام خواجه ناصرالدین وزیر تدوین
کرده و به واسطه او، آن را به شاه‌رخ شاه تقدیم کرده است. بار تولد، در کتاب الغیبیک و زمان وی،
از خواجه ناصرالدین نصرالله خوافی با عنوان ناظر مالی و کشوری الغیبیک نام برده است (بار تولد،
۱۳۳۶، ص ۱۴۰). می‌توان تاریخ گردآوری و تدوین این مجموعه منشآت را بین سال‌های ۸۱۴ ق.
شروع حکمرانی الغیبیک و ۸۴۵ ق. سال فوت خواجه ناصرالدین وزیر دانست.

اما هدف و غرض اصلی منشی سمرقندی از تدوین این مجموعه چه بوده است؟ چه
انگیزه و نیتی باعث گردآوری این مجموعه منشآت گشته است؟ خود کاتب هدف از این کار را
جمع‌آوری رسائل، منشآت، و نظم و نشر افاضل و بزرگانی که در روزگار خود شهره و نامدار



بوده‌اند، و بهره بردن هر کس و شخصی از مطالعه و تتبع سخنان مندرج در آن بیان می‌کند. اما هدف عمده وی گویا فراهم آوردن کتابی برای تقدیم به پادشاه وقت بوده تا از آن طریق بتواند نوشته‌ای از خود بر جای گذاشته و اسم و رسمی کسب نماید. به همین دلیل، به قول خود او «از هر شهری بهری و از هر کتابی بابی و از هر نسخه‌ای رقعهای و از هر صحیفه‌ای صفحه‌ای» انتخاب کرده و مجموعه منشآت پراکنده و نامنظمی فراهم آورده است که مشتمل بر رسائلی از قرن ششم و هفتم تا زمان حیات وی است. تفاوت عمده‌ای که این مجموعه با دیگر منشآت دوره تیموری دارد در این است که این منشآت نه با هدف تعلیم انشا و نامه‌نگاری و نه مانند منشآت منشیان آن عصر در بردارنده منشآت زیادی از خود مؤلف است - به جز در سه مورد دیباچه، حکم تولیت وقف موقوفات دارالسیاده کش و جواب مکتوبی به فریدون عکاشه - تا از آن طریق بتوان بیشتر به افکار و شخصیت او همچنین به شناختی از اوضاع زمانه وی دست پیدا کرد.^۱

مندرجات منشآت منشی سمرقندی

منشآت و مکاتیب نصرالله عبدالؤمن منشی سمرقندی، به خط نستعلیق سده نهم هجری است که بنابر مقایسه خط کاتب در دیباچه با دیگر مکاتیب این مجموعه، می‌توان گفت که این مجموعه به خط گردآورنده آن است. این منشآت احتمالاً تک نسخه‌ای بوده و نسخه بدلی برای آن موجود نباشد. این نسخه، ابتدا، در تملک روانشاد مهدی بیانی بوده که بعداً به کتابخانه مجلس شورای اسلامی تقدیم شده است. آغاز و انجام آن افتاده و دارای ۹۱ برگ و ۱۸۲ صفحه است. چنانکه گفته شد منشآت نصرالله عبدالؤمن منشی سمرقندی، بین سال‌های ۸۱۴ ق.، شروع حکمرانی الغ بیگ و ۸۴۵ ق.، سال فوت خواجه ناصرالدین وزیر الغ بیگ، تألیف و تدوین شده است. منشآت که در این مجموعه آورده شده از قرن ششم تا سال ۸۴۵ ق. یعنی اواسط قرن نهم را در بر می‌گیرد. منشآت سمرقندی را از چند جنبه مختلف می‌توان تقسیم و مورد ارزیابی قرار داد. یکی از نظر ساختار و محتوا یعنی انواع اخوانیات، سلطانیات، و دیوانیات.

۱. سلطانیات

نامه ملک السنجری به امیر تیمور: ۷۳-۷۸؛

مکتوب سلطان زین العابدین بن شاه شجاع به امیر تیمور: ۱۳۷-۱۳۹؛ و

نامه سلطان شیخ ابواسحاق اینجو به ملک معزالدین حسین: ۵۲-۵۴.

۲. دیوانیات (احکام، فرمان‌ها، و منشورها)

منشور سلطنت کرمان از محمدبن مظفر به فرزندش شاه شجاع (به انشای سمرقندی):

۹۳-۹۷؛

۱. برای آشنایی بیشتر با انگیزه‌ها و اهداف کاتب ن. ک.: نسخه خطی مجموعه منشآت نصرالله بن عبدالؤمن منشی سمرقندی، دیباچه وی بر این مجموعه به نام خواجه ناصرالدین وزیر، ص ۲.



منشور قاضی القضاتی از طرف فرزندش شاه شجاع به سعدالدین انسی (به انشای
خواجه شهاب‌الدین مسعود شیرازی): ۹۷-۱۰۴؛

حکم تولیت دارالسیاده شهر کش (به انشای سمرقندی): ۱۰۴-۱۰۷؛
فتح‌نامه دهلی: ۱۶۴-۱۶۷؛ و

دیباچه منشآت به انشای نصرالله بن عبداللہ بن المؤمن منشی سمرقندی: ۱-۳.

۳. اخوانیات (نامه‌های شخصی)

نامه خواجه معین‌الدین جامی به ملک معزالدین حسین: ۷۸؛

نامه خواجه نعمان‌الدین شیرازی بدون عنوان در تهنیت فتح و پیروزی: ۷۹-۸۴؛

نامه‌های تاج‌الدین ملک اختسان هندی به عمادالدین فقیه: ۵۵-۷۳ و ۸۸-۹۳؛ و
مکتوب مرتضی اعظم سیدمطهر شیرازی به خواجه تاج‌الدین سلمان: ۸۴-۸۸.

۴. رسائل

رساله مناظره سیف و قلم جلال‌الدین شاه خوافی: ۴۹-۱۲۳؛

رساله عرائس الخواطر و نفائس النوادر رشیدالدین وطواط: ۱۲۵-۱۳۷؛

رساله الكواكب الدرّیه فی المناقب الحیدریه به انشای برهان‌الدین ابواسحاق کرمانی:
۱۵۱-۱۵۷؛

رساله‌ی القلندریه به انشای خواجه بهاء‌الدین احمد سمغانی: ۱۵۸-۱۶۳؛ و

رساله‌های عکاشه در اصطلاحات اطباء، حکما، اصطلاحات مربوط به صرف، نحو
و منطق و استیفاء: ۱۳-۲۰.

۵. منشآت متفرقه

هشت مکتوب و منشور متفرقه: ۱۰۹-۱۲۳؛

هفت مکتوب و منشور متفرقه: ۱۳۹-۱۵۱؛

هشت مکتوب و منشور متفرقه: ۱۶۳-۱۸۲؛ و

منشآت پراکنده و بدون عنوان عکاشه: ۲۰-۴۹.

ویژگی‌ها و اهمیت مجموعه منشآت منشی سمرقندی در مطالعات تاریخی دوره تیموری

منشآت و نامه‌های تاریخی، از جهت تنوع شکلی، موضوعی، و محتوایی بسیار جامع‌تر
و گسترده‌تر از دیگر اقسام متون تاریخی هستند. تنوع و گستردگی این دسته از متون تنها
محدود به جنبه‌های صوری و کمی نیست، بلکه از جهت کیفی و محتوایی نیز جزء منابع
مستند، متقن، و واجد ارزش و اعتبارند.



چنانکه می‌توان ادعا نمود منشآت و مکاتیب بر جای مانده از دوره تیموری، بهترین مکمل و راهگشای محققان در مطالعات تاریخی مربوط به این دوره، به‌خصوص در بازشناسی اوضاع سیاسی این عصر و نیز رابطه حکومت تیموری با سایر حکومت‌های محلی است. چراکه در این مقطع زمانی حکومت‌های محلی متعددی در ایران به قدرت رسیده و هر کدام ادعای تاج و تخت ایران را داشتند و تیمور نیز برای تسلط بر اوضاع ایران ابتدا می‌بایست این حکومت‌های محلی را از میان بر می‌داشت.

با آگاهی از اوضاع حاکم بر ایران در این برهه از تاریخ نقش منشآت از جمله مجموعه منشآت منشی سمرقندی در بررسی‌های تاریخی بهتر و بیشتر مشخص می‌گردد. به‌طوری‌که بررسی کیفی و محتوایی این مجموعه نتایج زیر را به ما گوشزد می‌کند.

۱. اسناد و نامه‌های تاریخی از آن جهت که به اقتضای وقت و به مناسبت رویدادی خاص از جانب پادشاهان، وزرا و دیگر دولتمندان صاحب منصب نوشته شده‌اند، متضمن واقعیات و بازتاب‌دهنده نفس حوادث و وقایع‌اند. اصولاً مجموعه‌های سندی اعم از منشآت، مکاتیب، فرمان‌ها، قباله‌ها از آن جهت که در زمره منابع دست یکم و مدارک معتبرند در قیاس با منابع رسمی تاریخی که مورخان تحت محظورات و ملاحظات خاص مبادرت به تألیف و تدوین آنها کرده‌اند، حاوی نکات و دقایق ارزشمندی هستند که پرتو روشنی بر گذشته می‌افکنند.

این مورد اخیر به‌خوبی در منشآت منشی سمرقندی قابل رویت است. از جمله در منشآت فریدون عکاشه و نامه ملک مملکت فارس به ملک معزالدین حسین هروری. دیگری، منشور سلطنت کرمان، اعطایی محمدبن مظفر به پسرش شاه‌شجاع است که خود نمونه‌ای عالی از آئین سلطنت و مملکت‌داری در سده هشتم هجری به شمار می‌رود. همچنین است روابط ملوک سنجری و تیموریان از منظر نامه ملک سنجری به امیر تیمور و نامه سلطان‌زین‌العابدین مظفری به امیر تیمور.

منشآت فریدون عکاشه - بازتاب تاریخ سیاسی خاندان آل اینجو در فارس: در توضیح باید گفت جلال‌الدین فریدون عکاشه از نویسندگان و شعرای نامی قرن هشتم و مداح جلال‌الدین مسعودشاه و شیخ ابواسحاق اینجو بوده و دبیری زبردست به‌شمار می‌رفته و در ساختن قصاید مصنوع و موشح دست داشته است (نفیسی، ج ۱، ۱۳۴۴، ص ۲۱۴).

اهمیت تاریخی منشآت عکاشه از این جهت است که چون مؤلف از منشیان فرمانروایان آل اینجو بوده، برای مطالعه و بررسی مفصل‌تر حکومت آل اینجو از جهات مختلف اهمیت دارد؛ از قبیل بررسی رابطه این خاندان حکومتگر با حکومت‌های محلی اطراف، اصطلاحات رایج در علوم مختلف آن دوره، بررسی سیر تحول ادبیات و شعر و شاعری و دیگر موارد.



در اینجا نیز در موضوع بررسی رابطه این خاندان با حکومت‌های محلی آن مقطع زمانی، نامه شیخ ابواسحاق به ملک معزالدین حسین مورد اشارت قرار خواهد گرفت.^۱ آخرین نامه از منشآت عکاشه در این مجموعه، که دارای اهمیت بوده و در بررسی روابط آل اینجو و آل کرت مؤثر می‌باشد، نامه‌ای به انشای او از زبان ملک فارس یعنی شیخ ابواسحاق اینجو به ملک معزالدین حسین کرت است و درباره اتحاد فی مابین آنها، ظاهراً جهت مقابله با امیر مبارزالدین محمد مظفری می‌باشد. ابواسحاق، طی مبارزات خود با مبارزالدین محمد، بارها از دیگر حکومت‌های محلی اطراف خود کمک خواسته و دست اتحاد به سوی آنها دراز کرده که نامه مزبور به ملک معزالدین حسین کرت نمونه‌ای از آنها می‌تواند باشد. منشور سلطنت کرمان، اعطایی محمدبن مظفر به پسرش شاه‌شجاع: این منشور یکی دیگر از نامه‌های موجود در مجموعه منشآت منشی سمرقندی است که نمونه‌ای عالی از آئین سلطنت و مملکت‌داری در سده هشتم هجری به‌شمار می‌آید. از منشور مزبور می‌توان به نکات تاریخی مانند محدوده تصرفات و سلطنت مبارزالدین محمد، وظایف محول شده به شاه‌شجاع به‌عنوان حاکم کرمان، حوزه اختیارات یک حاکم و مطالب دیگری از این قبیل دست یافت.

از طریق این منشور، می‌توانیم تا حدودی به محدوده سلطنت مبارزالدین محمد پی ببریم و از ارزیابی وظایف محول شده به شاه‌شجاع به‌عنوان حاکم می‌توان تا حدی به اوضاع ایران در آن برهه زمانی نیز واقف شد. ناامنی، مشوش بودن اوضاع کشور و خودسری کارگزاران حکومتی در محل خدمت خود و عدم ترس آنها از حکومت مرکزی و سفارش مبارزالدین به شاه‌شجاع نیز جزء این موضوع‌هاست. وی برقراری امنیت، رفاه و آسایش و کوتاه کردن دست متجاوزان را از تعدی به رعایا از وظایف اصلی او به‌شمار می‌آورد.

فتح‌نامه دهلی: این فتح‌نامه نمونه دیگری از اینگونه منشآت است. فتح‌نامه یکی از نامه‌های رسمی بوده و چون می‌بایستی بشارت فتح را که پادشاه نموده است با آب و تاب تمام به پایتخت کشور و گاه به تمام ایالات و ولایات قلمرو سلطنت بدهند و نامه‌ای که در این باره نوشته می‌شد، وسیله آن چیزی باشد که امروزه با عنوان تبلیغات از آن یاد می‌شود، از این رو، انشای فتح‌نامه مستلزم فصاحت و حسن اثر بوده است. نمونه این انشاء، فتح‌نامه دهلی توسط امیر تیمور است.

در فتح‌نامه دهلی، تیمور، با حمد و سپاس خدا که مدد رسان او بوده است، به بیان هدف خود از حمله به هند یعنی قصد غزوه و جهاد دیار کفر می‌پردازد و در ادامه چگونگی فتح دهلی را با آب و تاب تمام بیان کرده و در تأیید حرف‌های خود از آیات و روایات قرآنی مدد می‌جوید. وی، شخص حامل این فتح‌نامه را خواجه‌علی بیان کرده و داروغگان و حکام

۱. این نامه در شماره ۱۵ مجله / روغان با عنوان مکتوب تاریخی فریدون عکاشه چاپ شده است (رک: فهرست مقالات ایرج افشار، ج ۱، ش ۳۵۹۴)
۲. ملک معزالدین حسین مدتی طولانی از سال ۷۳۲ تا ۷۷۱ قمری حکومت هرات را در اختیار داشت. جهت اطلاع بیشتر ن.ک.: (تاریخ ایران کمبریج، ۱۲۸۷، ج ۶، صص ۲۵-۳۴؛ ظفرنامه یزدی، ۱۳۲۶، ج ۱، صص ۱۱۲-۱۱۳)



بلوکات فارس و مباشران امور یزد و ابرقو و توابع و ضمایم و ملحقات آنها را مخاطب قرار داده تا بشارت این فتح را به اطراف و اکناف بلاد و قری برسانند و عموم مردم را از سلامتی وجود امیر تیمور آگاه سازند. نکات تاریخی که می توان از این فتح نامه استخراج کرد، انگیزه و نیت حمله تیمور به هندوستان، نحوه مبارزه با هندوان، ابزارهای جنگی مورد استفاده تیمور، اسامی سرداران و فرماندهان سپاهیان هندی و چگونگی شکست دادن و تسلیم شدن آنها و موارد دیگری از این دست است که البته به طور جزئی تر و مفصل تر مورخ رسمی او یعنی شرف الدین علی یزدی در کتاب *ظفرنامه* خود آورده است که با رجوع به آن، بهتر می توان این واقعه را درک و تحلیل کرد.

روابط ملوک سنجری و تیموریان از منظر نامه ملک سنجری به امیر تیمور: همانطور که از مندرجات *ظفرنامه* برمی آید: «مبارکشاه سنجری رئیس قبیله سنجری از ترکمن های جنگجو و جسور، با امیر تیمور طریقه اخلاص و هواداری مسلوک داشته، با فرزندان خود پیش وی آمده، اسب های نیکو بخشیده و خدماتی پسندیده به جای آورد و از ممر همین خدمات شایسته بود که تیموریان و نیز خود تیمور برای جانشینان مبارکشاه احترام بسیاری قائل بودند و مناصب ارجمند و حکومت شهرهای معتبری را به آنها اعطا کردند» (یزدی، ۱۳۳۶، ج ۱، صص ۵۲-۵۳).

در دو فهرستی که این مجموعه منشآت آورده شده یعنی جلد نخست فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی و جلد دوم نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، این مکتوب را با عنوان نامه ملک سیستان یا ملک السنجری به امیر تیمور درج کرده اند؛ اما با مشاهده و بررسی متن اصلی نسخه، که به صورت «هذا مکتوب ارسله الملک السنجری الی السلطان الاعظم الخالقان الاکرم امان الزمان قطب الدنيا والدين امیر تیمور گورکانی» یاد شده است (منشآت منشی سمرقندی، صص ۷۲-۷۸)؛ همچنین، با مطالعه متن این مکتوب که به طور خلاصه عبارت از عرض بندگی و ارادت و تبریک فتوحات و لشکرکشی های پیروزمند امیر تیمور گورکان است و در کل متن اشاره ای به ولایت سیستان نشده است، می توان پی برد که این نامه متعلق به ملک السنجری از خاندان مبارکشاه سنجری بوده که از ابتدای به قدرت رسیدن تیمور، اظهار اخلاص و هواداری می کردند و همیشه نیز مورد حمایت امیر تیمور و جانشینانش بوده اند، نه مربوط به ملک سیستان که تیمور طی فرمانروایی خود از آغاز تا فرجام آن، چند مرتبه به سیستان لشکر کشیده و عداوتی دائمی بین این دو برقرار بوده و ملک سیستان همیشه از راه خودسری و عناد در مقابل امیر تیمور در می آمده است.

۲. در نامه ها و منشآت، از هر نوع که باشد، چون روی سخن نویسندگان آنها با اشخاص، گروه ها، و طبقات مختلف اجتماعی است، مضمون و محتوای هر یک از نامه ها بنا به مخاطب



آنها تفاوت می‌کند. لذا در این قبیل نامه‌ها مجموعه آگاهی‌ها و اطلاعات ذی‌قیمتی از انواع مختلف می‌توان یافت که بسیار درخور اهمیت است؛ به‌ویژه در نامه‌ها و مکاتبات دوستانه و خانوادگی (اخوانیات) که روشن‌کننده وضعیت زندگانی نویسندگان و گاه دریافت‌کنندگان نامه‌هاست و لذا اینگونه نامه‌ها برای تدوین تاریخ زندگی رجال و شرح حال‌نگاری بسیار مفید و سودمند است.

به‌طورمثال، منشآت فریدون‌عکاشه، که بازتابی از تاریخ سیاسی خاندان آل‌اینجو در فارس به‌شمار می‌رود، خود معرف اشخاص زیادی از خاندان آل‌اینجو و آل‌کرت است. از جمله شخصیت‌هایی که در این نامه به آنها اشاره شده خواجه شهاب‌الدین، وزیر سابق آل‌کرت است که ابواسحاق در نامه‌اش به صحبت‌های قبلی خود با این وزیر جهت برقراری ارتباط و اتحاد فی‌مابین دو حکومت اشاره می‌کند و آن را مقدمه‌ای برای بیان مطب اصلی خود می‌کند.

۳. نامه‌ها و مکاتبات دیوانی و درباری (دیوانیات و سلطانیات) به جهت احتوا بر واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به تشکیلات کشوری و لشگری، مأخذ بسیار مفیدی برای آگاهی از اوضاع اداری و دیوانسالاری و نیز اطلاع از اصطلاحات دیوانی و اداری و دیپلماسی و آئین ملک‌داری هستند. دانش‌پژوه، در این خصوص اینگونه می‌نویسد: «سود بزرگی که ما از منشآت و رقعات و نامه‌ها می‌بریم آشنا شدن با اصطلاحات و لغات دیوانیان و درباریان و دبیران و دستگاه‌های فرمانروایی ایرانیان و قلمرو زبان فارسی است. اگر بتوانیم روزی همه این لغات را با بیان معانی مراد از آنها، در اسناد یکجا گرد آوریم؛ فرهنگ دیوانی خوبی در دست خواهیم داشت و بسیاری از مشکلات ادبی و تاریخی را با آن حل خواهیم کرد» (دانش‌پژوه، ۱۳۵۰، ص ۵۹).

منشآت منشی سمرقندی منبع خوبی جهت آشنایی و اطلاع از وظایف، القاب، و تشکیلات نظامی و دیوانی و اصطلاحات مربوط به آنها در عصر تیموری محسوب می‌گردد. برای مثال، در منشوری که در نیمه سده هشتم از طرف محمدبن مظفر به پسرش شاه‌شجاع اعطاء گردید حوزه اختیارات و وظایف شاه‌شجاع‌الدین به‌عنوان حاکم کرمان نیز مشخص شده است؛ که برطبق این منشور از جمله حوزه اختیار و قدرت وی عبارت بودند از:

- نصب و عزل بزرگان عرصه دین و دولت و تمام مباشران اعمال و ائمال آن حوزه؛
- تعیین مناصب و واگذاری هرگونه شغل و عمل شرعی و دیوانی در آن ولایت؛
- چگونگی مصرف؛
- کلبه لشکریان مغول، تاجیک، اعراب و صحرائشینان تحت اوامر و دستورات وی بودن؛ و
- حفظ قلاع، ضبط حصون، و تعیین کوتوالان.

۱. برای آگاهی بیشتر از زندگانی و سبک نگارش رشیدالدین و طوطا ن. ک.: نفیسی، ۱۳۴۴، ج ۱، صص ۹۲-۹۳؛ نامه‌های رشیدالدین و طوطا، ۱۳۳۸، صص ۸۱-۸۲.
۲. جوینی، منتخب‌الدین جوینی (۱۳۳۹).
عنتبه‌الکتابه (محمد قزوینی و عباس اقبال، مصححان). تهران: شرکت سهامی چاپ.



- وظایفی که به عنوان یک حاکم محلی برعهده او بود عبارت بودند از:
- پیروی از شریعت مطهره محمدی و برقراری اصول و آئین دین محمدی؛
 - قیام به امر معروف و نهی از منکر و سعی در رفع منہیات؛
 - پیش گرفتن رسم جهانیانی و آئین سلطانی و احتراز و اجتناب از محدثات و خرق عادات؛
 - واگذاری امور و مشاغل به افراد شایسته‌ای که زیردستان آنها از وجود ایشان متضرر نشوند؛
 - هراسمند و خایف نگهداشتن عمال ولایات از سطوت خویش به جهت جلوگیری از تعدی و تطاول بر ضعفا و اقویای رعیت؛
 - کوتاه و مکفوف نگهداشتن دست متعدیان و متغلبان از احوال رعایا و برقراری امنیت در حوزه سلطنت خود؛ و
 - عدم مخاطب قرار دادن رعایا با خطابات و عتابات شدید و برقراری رفاه و آسایش آنها.
- نمونه دیگر بررسی منصب قضا و قضاوت در سده هشتم است که به طور مکرر در **منشآت** منشی سمرقندی به آن مواجه می‌گردیم. برای مثال، منشوری که شاه شجاع برای سعدالدین محمود انسی صادر نموده یکی از همین نامه‌ها و مکتوبات است که اطلاعات با ارزشی در خصوص تشکیلات کشوری ایران در قرون میانه به دست می‌دهد.
- شاه شجاع، فرزند سوم امیر مبارزالدین محمد بود که از سال ۷۵۴ ق. در موضع ریقان از حوالی بم به ولیعهدی منسوب شد (کتبی، ۱۳۶۴، ص ۵۸). بر طبق این منشور شاه شجاع بعد از رسیدن به قدرت منصب قاضی القضاتی حوزه حکومتی خود را به سعدالدین محمود انسی از علما و فضیلتی آن زمانه اعطا می‌کند.
- در این منشور، شاه شجاع ابتدا با بیان جملاتی در وصف دین و لزوم اشاعه عدل و داد و دادگستری و موازنه حقوق خلق و تنظیم امور شرع می‌پردازد و سپس به ذکر آیات و احادیثی در این باره پرداخته و به شعری عربی مزیّن می‌سازد تا مقدمه‌ای برای ادای مطلب اصلی خود یعنی اعطای منصب قاضی القضاتی به سعدالدین آماده کند. او، بعد از این مقدمه، به بیان صفات و ویژگی‌های شخصی که باید به منصب قاضی القضاتی منصوب شود، می‌پردازد و شروط زیر را از ویژگی‌های اصلی منصب قاضی القضاتی نام می‌برد:
- ذاتی کامل و شخصی ذو رأی و فاضل و متدین باشد؛
 - از بحار علوم دینی و مشارب غوامض باشد؛
 - وجوه افاضل و رؤس اماجد به کمال فضل و بداعت و به صفت «انما یخشی الله من عباده العلماء» موصوف باشد؛
 - شهرت و صیت فضایل او زیانزد روزگار خود باشد؛
 - نفس نفیس او به زیور علم و عقل متجلی و به لباس کفایت و عدل متزین باشد؛

- مجتهد به امور دین و پیرو کتاب و سنت و اجماع امت؛
- عالم بودن بر قواعد و نکات عربی و شناخت راویان احادیث و اخبار و آگاهی به احوال اهل تفسیر و تأویل؛
- واقف بودن بر دلایل محکومات و متشابهاات و سرایر ناسخ و منسوخ و قیاس جلی و خفی، به طوری که موجب استحسان خاص و عام و استحباب اعیان ایام باشد؛ و
- اقتدا به آثار انبیاء و مرسلین و اقتضا به انوار خلفای راشدین.
- همچنین وظایف مشروحه قاضی القضاات نیز در این منشور بیان گردیده است:
- قضاوت و رسیدگی به امور شرعی و دنیوی از امر احتساب و مکرمات دیوان مظالم گرفته تا ضبط و پرداختن به امور اوقاف و رقبات وقفی و محصولات و منالآت آنها؛
- تقدم و گرامی داشتن روحانیون، علما و ارباب عمایم؛
- تعیین متصدیان، حکم امامت و خطابت، وعظ و تعریف و عامه لواحق امور شرعی و مهام ملی؛
- استماع مرافعات و قطع و فصل خصومات و حبس و اطلاق؛
- تحریر سجلات، توقیع و تاریخ فرمان‌ها، احکام، امثال و قبالات و صدور حکم نامه‌ها؛
- تقسیم بیت‌المال و محافظت از اموال بدون صاحب و یتیمان، سفها، محجوران؛
- حفظ مهر طبله سکه و جلوگیری از ضرب سکه‌های تقلبی؛
- عقد و نکاح زوج‌های بدون ولی و با ولی، ثبت دفتر معاملات و مبیعات؛ و
- عزل و نصب قضاات و متصدیان شرعیات اطراف و نواحی.
- محمدبن مظفر، بعد از تشریح وظایف اصلی قاضی القضاات، انتظار انجام وظایف فرعی دیگری را در کنار آن وظایف اصلی بیان می‌دارد:
- در سلامت و وخامت عاقبت امور تأملی شافی و تدبیری وافی واجب شناسد و امور جمهور بل جمهور امور را در سلک نظام انتظام دهد؛ و
- در انجام وظایف خود نظر بر ثواب آخرت و قرب حق و نشر علم و اظهار حق و بیان شرع و تقویت دین کرده و در کلی و جزئی قضا یا به حکم «اذا حکمتم بین الناس ان یحکموا بالعدل» تمسک جوید؛ و
- در هر قطری از اقطار، امینی متدین به گمارد که در ملابست اعمال دینی ذیل همت را از آرایش حرص و طمع و حقد و غرض صیانت نماید و از اعمال و افعالی که بر بدعت و خرق عادت سنت و متابعت مبتنی باشد، اجتناب و دوری نماید.
- ۴. نامه‌ها و مکاتبات متبادله فی مابین عرفا، متصوفه و اهل معرفت از آن جهت که در

غالب موارد مشتمل بر مطالب فکری، عرفانی، و عقیدتی است از مآخذ بسیار سودمند برای تحقیق در حالات و روحیات این قبیل اشخاص است. لذا برای تحقیق در تاریخ تصوف و اندیشه‌های عرفانی و نیز شناخت زندگی عارفان و صوفیان از این قبیل نامه‌ها می‌توان بهره‌های بسیار برد، مانند رساله‌الکواکب‌الدریه فی مناقب‌الحیدریه و القلندریه و حکم تولیت وقف موقوفات دارالسیاده شهر کش که اولی برای شناخت فرقه‌های مذهبی عصر تیموری، و دومی جهت آگاهی از نظام وقف و اوقاف در دوره تیموری حائز اهمیت بسیار هستند.

رساله‌القلندریه، تألیف خواجه بهاء‌الدین احمد سمنانی و به کتابت منشی سمرقندی، که در این مجموعه آورده شده است در توصیف این فرقه در قرن نهم و دوره تیموری می‌باشد. حیدریه نیز دو فرقه از قلندریه محسوب می‌شدند که یکی منصوب به قطب‌الدین حیدرزاده‌ای (متوفی ۶۱۸ ق.) و دیگر منصوب به میرقطب‌الدین حیدر تونی (متوفی ۸۳۰ ق.) بود.^۱

رساله‌الکواکب‌الدریه فی مناقب‌الحیدریه نیز تألیف برهان‌الدین ابوالاسحاق کرمانی و به انشای سمرقندی، از این مجموعه منشآت در وصف فرقه حیدریه یعنی پیروان منسوب به قطب‌الدین حیدر زاده‌ای است. نکته‌ای که در اینجا باید متذکر شد این است که در هر دوی این رساله‌ها (القلندریه و حیدریه) رهبر و پیر آنها در این مقطع حاجی قطب‌الدین حقیماق آورده شده است و این امر می‌تواند رهنمون این واقعیت باشد که فرقه حیدریه شاخه‌ای از قلندریه بوده است. این دو رساله، به جهت مطالعه و بررسی آئین و رسوم این دو فرقه و عقاید پیروان آنها در دوره تیموری اهمیت بسزایی دارند.

حکم تولیت وقف موقوفات دارالسیاده در شهر کش: اهمیت این منشور بیشتر از جهت بررسی نظام وقف و اوقاف در دوره تیموری است. و قفنامه مذکور یعنی و قفنامه دارالسیاده شهر کش از چند جهت در مطالعات تاریخی دارای اهمیت است:

- توجه به سادات از طرف امیر تیمور و جانشینانش؛
- شناساندن شخصیت‌های مملکتی یا محلی؛
- اطلاع از محتوای یکی از و قفنامه‌های دوره تیموری: واقف، موقوفه، متولی، شرایط وقف؛ و
- مسئله جغرافیای تاریخی.

۵. منشآت، از جهات ادبی و زبان‌شناختی نیز واجد اهمیت بسیارند؛ زیرا مجموعه‌های منشآت در زمره بهترین منابع برای مطالعه در سیر تحول و دگرگونی و تکامل نثر فارسی در اعصار مختلف به شمار می‌آیند. بنابراین، از مجموعه‌های منشآت در تحقیقات زبان‌شناختی و نیز بحث در تاریخ تطور زبان یا سبک‌شناسی می‌توان بهره‌های فراوان برد، به ویژه آنکه بیشتر مجموعه‌های منشآت با نظر به انشا و طرز نامه‌نگاری و برای آموزش انشا و فن دبیری تدوین شده‌اند و بعدها برای آموزش عملی انشا و هنر نویسندگی سرمشق بوده‌اند.

۱. درباره این دو فرقه بنگرید به: سید حسن خمینی (۱۳۸۹) فرهنگ جامع فرق اسلامی (ج ۱)، تهران: اطلاعات، صص ۵۶۹ تا ۵۷۴؛ درباره مسلک قلندری ن. ک.: محسن کیانی (میرا)، (۱۳۶۹)، صص ۲۴۶-۲۴۷.



افزون براین، از منشآت می‌توان برای بررسی تحول و تطور فن نویسندگی و انشاپردازی در زبان فارسی سود جست.

درباره نثر و سبک نگارش اثر باید گفت که این مجموعه شامل سبک‌های منشیانۀ مختلفی از قرن ششم تا قرن نهم هجری است. اما به‌طور کلی، این اثر، نثری منشیانۀ داشته و تعبیر ادبی بسیار زیبایی را می‌توان از آن استخراج کرد مانند مناظره سیف و قلم به انشای جلال‌الدین خوافی یا منشآت جلال‌الدین فریدون عکاشه منشی دربار سلاطین آل‌اینجو، و همچنین مکاتبات ملک اختسان هندی با عمادالدین فقیه کرمانی که نمونه‌ای از تأثیر ادبیات و منشآت نویسی ایرانیان بر ادبای هندوستان است.

در این مجموعه منشآت، منشی سمرقندی بیش از سی قطعه نثر و نظم از منشآت جلال‌الدین فریدون عکاشه موجود است که برخی از آنها دارای نام ویژه‌ای هستند، مانند رساله منطقیه، رساله طبیه یا مصطلحات اطباء و حکما، اصطلاحات استیفاء یا محاسبین، مصطلحات نحوین، رسالۀ نجومیه یا اصطلاحات ستاره‌شناسان که هریک از اینها، دارای اصطلاحات زیادی از دانش‌های نامبرده می‌باشد. وی، برخی نامه‌های دیگر را نیز به نام رساله رباعیه و برخی را فریدونیه و دیگر منشآت را با جمله «و من انشائه ایضا...» یا «و ایضا من - المنشآت الجلالیه الفریدونیه» آغاز کرده است. چند انشای دیگر نیز که در این مجموعه مشاهده می‌شود راجع به تهنیت عید، تهنیت فتح و انشا، که این تهنیت‌ها و عرض تبریک‌ها بیشتر خطاب به پادشاهان آل‌اینجوست. رساله ریحیه جلال‌الدین فریدون عکاشه، نثری است ادبی و بلند با ابیاتی در ستایش ابواسحاق اینجو که در شیراز می‌زیسته که آغاز آن عبارت است از:

چیست صافی جوهری همچون خرد روشن روان
آتشی سیال کآی منعقد دارد مکان

و انجام آن:

کلک دولت پرورت را ملـک و ملت در پناه

تیغ نصرت پرورت را دین و دنیا در ضمان

رساله رباعیه نیز یکی دیگر از نثرهای ادبی فریدون عکاشه در ستایش پادشاه است.

مکاتبات ملک اختسان هندی با عمادالدین فقیه کرمانی: تاج‌الدین محمد بن صدرالدین احمد بن علاء‌الدین حسن دبیر عبدوسی، معروف به ملک اختسان هندی، مؤلف **بساتین الانس** به نام سلطان محمد بن تغلق‌شاه پادشاه دهلی، که در ۷۷۲ ق. به پایان رسانیده. وی، با عمادفقیه کرمانی، شاعر معروف ایران مکاتبه داشته و همین مکتوبی که از او مانده است، می‌رساند منشی زبردستی بوده است (نفیسی، ۱۳۴۴، ج ۲، ص ۷۵۵). خواجه عمادالدین، از معاریف غزل‌سرایان عارف‌پیشه قرن هشتم و در کرمان دارای خانقاهی بوده است. مردم زمانه



شاه شجاع نیز به او احترام بسیار می گذاشتند. شهرت عمادالدین فقیه در زمان خود به اندازه‌ای بود که تاج‌الدین محمد (ملک‌اختسان هندی) از هند به او نامه بنویسد (نفیسی، ۱۳۴۴ ج ۲، ص ۷۶۱؛ نوائی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۹).

مکاتبات ملک‌اختسان با خواجه عمادالدین، حاکی از تأثیر گذاری ادبیات و منشآت نویسی ایرانیان بر ادبا و فضالای هندوستان است. عبارات پایانی نامه ملک‌اختسان به عمادالدین فقیه در مورد منشآت وی و نگارش آن گواه بر این امر است: «جمع میان رعایت طریقه انشای مترسلانه و مثل این صنعت‌های متکلفانه دست نمی‌دهد و درین نوع قلم پای از حد ضبط قانون سلامت بیرون نمی‌دهد اما منشیان پیشینه و مترسلان گذشته دست مسامحت بر سر صاحب التزام صنعت فرود آورده‌اند و از منزله قدم طبع در سلوک این طریق تجاوز واجب دیده، امیدست که این زمان نیز آثار سلف متبع ماند و پی روی رسوم ایشان مهجور نگردد». از ملک‌اختسان چهار منشآت در این مجموعه آورده شده که در دو تایی از آنها به مخاطب آن یعنی عماد فقیه اشارت مستقیم رفته و در دو انشای دیگر نامی از مخاطب نیامده است. اما از فحوای کلام و از القاب و اوصاف مشابهی که در انشای اول خود جهت عمادالدین فقیه به کار رفته، می‌توان پی برد که این دو نامه نیز به جهت وی بوده است.

ویژگی‌ها و مختصات منشآت منشی سمرقندی

منشآت سمرقندی، با وجود در برداشتن مکتوبات تاریخی بسیار مهمی در درون خود، ویژگی‌ها و نقاط قوت و ضعف نیز دارد که ضروری است مورد توجه قرار گیرد.

۱. مکتوبات، نامه‌ها، و منشآت آورده شده در این مجموعه را به دلیل تنوع موضوع و تنوع مخاطبان و مقاطع تاریخی آنها، نمی‌توان به یک یا چند موضوع و شخص خاصی محدود کرد و به همین دلیل، پراکندگی موضوعی زیادی داشته و از یک قالب عمومی برخوردار نیست. مانند رساله عرائس الخواطر و نفائس النوادر رشیدالدین وطواط از قرن ششم هجری که از نظر موضوعی و زمانی با دیگر مکتوبات این مجموعه همخوانی ندارد.

۲. یکی از ویژگی‌های دیگر منشآت سمرقندی این است که برخی مکتوبات آن بدون عنوان آغاز می‌شود و در آنها بعضی مواقع تنها نام فرستنده یا گیرنده و گاه حتی بدون نام ایشان نوشته شده‌اند که جهت اطلاع از ماهیت آنان ناچار باید به متن مکتوب رجوع کرد. تعدادی از این مکتوبات که مربوط به واقعه‌ای سیاسی بوده، آنقدر گنگ و مبهم است که خواننده را با ابهامات زیادی روبه‌رو می‌کند که نمونه بارز آن نامه خواجه نعمان‌الدین شیرازی به یک سلطان یا حاکم است که ذکری از نام او به میان نیامده است. موضوع این مکتوب تبریک و ابراز خوشحالی از فتح و پیروزی است که در آن به جزئیات این رخداد، از جمله



به سال و مکان وقوع واقعه و شخص فاتح اشاره‌ای نشده است، به صورتی که خواننده با مطالعه متن نمی‌تواند به درک درستی از آن واقعه تاریخی دست پیدا کند (منشآت سمرقندی، صص ۷۹-۸۴).

از این دست نامه‌ها، نامه‌ای دیگری نیز بدون ذکر مؤلف و نگارنده آن، خطاب به سعدالدین وزیر با القاب «وزیر سلطان نشان، دستور ملک‌آرای ملک نشان، خدایگان وزراء عالم، سعدالحق‌الدین والدین» آمده است. این نامه در بین نامه‌ها و مکاتیب متفرقه این مجموعه آمده است. نویسنده مکتوب ظاهراً شخصی از فضلا و عالمان علوم دینی زمانه خود بوده است که به نام وی اشاره‌ای نشده است اما نام گیرنده نامه آورده شده یعنی سعدالدین وزیر. طبق مطالب نامه می‌توان گفت که موضوع آن راجع به تقاضای اعطای دوباره یرلیغ ترخانی (فرمان بخشودگی مالیات) به فرستنده نامه می‌باشد که گویا در زمان حیات پدر فرستنده برقرار بوده است. با توجه به این مطلب که در دوره تیموری وزیری با نام سعدالدین وجود نداشت و نیز کاربرد اصطلاحات مغولی در این نامه می‌توان حدس زد که مخاطب آن خواجه سعدالدین محمد ساوجی، وزیر سلطان محمد خدابنده الجایتو بوده است که مؤلف نامه را خطاب به او در خصوص تقاضای برقراری مجدد این فرمان در حق وی نگاشته است. از این نامه می‌توان در بررسی نظام مالیاتی در آن دوره استفاده کرد (منشآت سمرقندی، صص ۱۱۵-۱۱۷). مکتوب دیگر نامه‌ای است از طرف امیر تیمور که ظاهراً خطاب آن به شاهرخ بهادر است. موضوع یک قطعه زمین (بدون ذکر نام و مکان آن) متعلق به تیمور است که وی درآمد آن را به یکی از صاحب‌منصبان لشگری خود اعطا کرده است، اما چون اشاره مستقیمی به این شخص، به مکان و مشخصات زمین و حتی به خود امیر تیمور نرفته است و تنها نام شاهرخ در آن ذکر شده است نمی‌توان اطلاعات صحیح و مورد اطمینانی از آن استخراج کرد.

۳. از دیگر ویژگی‌هایی که از نقاط ضعف منشآت سمرقندی نیز محسوب می‌شود، این است که هیچ‌یک از نامه‌ها و مکتوبات آن دارای تاریخ نبوده و زمان تاریخی مشخصی را نیز به دست نمی‌دهند. تنها نامه‌ای که در آن تاریخ ذکر شده است فتح‌نامه دهلی است که تاریخ شعبان سال ۸۰۴ ق. در آن ذکر شده است. در دیگر نامه‌ها باید از روی شواهد تاریخی مکتوبات به زمان تاریخی آنها دست پیدا کرد (منشآت سمرقندی، ص ۱۶۷).

نتیجه‌گیری

در تاریخنگاری ایران، همواره اتکای عمده مورخان بر منابع معروف، متعارف و متداول تاریخ سیاسی بوده است، در حالی که منشآت نیز به‌عنوان یک منبع ادبی و تاریخی می‌تواند



جایگاه ویژه‌ای در پژوهش‌های تاریخی داشته باشد. منشآت برجای مانده از هر دوران حکومتی از جهات مختلف تاریخی، اجتماعی، سیاسی، و ادبی از ارزش و اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. دوره تیموری را می‌توان در ردیف دوره‌هایی به‌شمار آورد که در آنها علم و دانش رونقی قابل توجه داشته است. علت این موضوع را باید در حمایت و تجلیل پادشاهان و امیران تیموری از ارباب علم و معرفت دانست.

مجموعه منشآت نصرالله بن عبدالؤمن منشی سمرقندی نیز به‌عنوان یکی از منشآت برجای مانده از دوره تیموری، نقش بسزایی در بررسی تاریخ ایران مقارن ظهور تیمور تا اواسط قرن نهم (تا پایان حکومت میرزا(الغ بیگ) دارد. شناخت رویدادهای سیاسی و تاریخی این مقطع زمانی، آگاهی از نحله‌ها و فرقه‌های مذهبی، بررسی تشکیلات دیوانی و آئین مملکت‌داری، شناخت القاب رایج در آن دوره و اصطلاحات مورد استفاده منشیان آن مقطع، نظام وقف و اوقاف در دوره تیموری، تأثیرگذاری ادبیات و منشآت نویسی ایرانیان بر ادبای سرزمین‌های دیگر، رابطه حکومت‌های محلی آن مقطع، از جمله اطلاعاتی است که منشآت منشی سمرقندی می‌تواند درباره ایران آن دوره تاریخی ارائه دهد.

منبع

- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ (۱۳۳۶). *الف بیگ و زمان وی، امپراطوری مغول و دولت جغتائی* (حسین احمدی پور، مترجم). تبریز: کتاب‌فروشی چهر.
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۶). *سبک‌شناسی (تاریخ‌تطور نشر فارسی)*. (ج ۳). تهران: انتشارات امیرکبیر.
- تاریخ ایران کمبریج* (۱۳۸۷). (ج ۶). (تیمور قادری، مترجم). تهران: انتشارات مهتاب، شهر کتاب.
- خمینی، سید حسن (۱۳۸۹). *فرهنگ جامع فرق اسلامی* (ج ۱). تهران: انتشارات اطلاعات.
- خوافی، احمد بن محمد (۱۳۳۹). *مجموعه فصیحی* (ج ۳). (محمود فرخ، کوششگر). مشهد: باستان.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن هماد الدین (۱۳۸۰). *تاریخ حبیب‌السیر* (ج ۴). تهران: انتشارات خیام.
- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۴۹). *خرقه هزار میخی، مجموعه سخنرانی‌ها و مقاله درباره فلسفه و عرفان اسلامی* (مهدی محقق و هرمان لندلت، کوششگران). تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی؛ دانشگاه مک‌گیل.
- رجال کتاب حبیب‌السیر* (۱۳۷۹). (عبدالاحسین نوایی، گردآوری). بی‌جا: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کتبی، محمود (۱۳۶۴). *تاریخ آل مظفر* (عبدالاحسین نوایی، کوششگر). تهران: امیرکبیر.
- کیانی (میرا)، محسن (۱۳۶۹). *تاریخ خانقاه در ایران*. تهران: کتابخانه طهوری.
- منتجب‌الدین بدیع، علی بن احمد (۱۳۸۴). *عتبة الکتبه* (مجموعه مراسلات دیوان سلطان سنجر). (محمد قزوینی، عباس اقبال آشتیانی، مصححان). تهران: انتشارات اساطیر.
- میرجعفری، حسین (۱۳۸۱). *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان*



و ترکمنان. تهران و اصفهان: انتشارات سمت و دانشگاه اصفهان.

نصرالله بن عبدالمؤمن منشی سمرقندی، منشآت، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه ۲۱۸.
نفیسی، سعید (۱۳۴۴). تاریخ نظم و نشر در ایران (تا پایان قرن دهم ه.ق). (ج ۱ و ۲). تهران: کتاب‌فروشی فروغی.
یزدی، شرف‌الدین علی (۱۳۳۶). ظفرنامه (محمد عباسی، کوششگر). تهران: امیرکبیر.
دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا (زیر نظر محمد معین). تهران: سازمان لغت‌نامه، تهران: چاپخانه
مجلس.

مصاحب، غلامحسین (۱۳۴۵). دایره‌المعارف فارسی. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
نامه‌های رشیدالدین وطواط (۱۳۳۸). (قاسم تویسرکانی، کوششگر). تهران: دانشگاه تهران.

